

بیگما

شماره مسلسل ۱۸۷

سال شانزدهم

بهمن ماه ۱۳۴۲

شماره یازدهم

سنا تور دکتر وعدی

مبانی تربیتی و اخلاقی صلح پایدار

قرارداد منع محدود آزمایش‌های اتمی منعقد در مسکو (پنجم اوت ۱۹۶۳ مطابق با چهاردهم مرداد ۱۳۴۲) که به تشخیص کارشناسان امور جهانی و مطبوعات درجه اول دنیا مهمترین قرارداد بین‌المللی است که پس از خاتمه جنگ جهانی کبیر دوم با امضاء رسیده روز دوم دیماه ۱۳۴۲ با توافق آراء بتصویب مجلس سناى ایران رسید .

مجله یغما با توجه به تأثیر این قرارداد در سر نوشت همه افراد بشر و لزوم پشتیبانی افکار عمومی از مفاد آن سزاوار دانست که قسمتی از نطق سنا تور دانشمند ، جناب دکتر وعدی سفیر کبیر و نماینده سابق ایران را در یونسکو ، که بدین مناسبت در مجلس سنا ایراد و در ضمن آن جهات مختلف اجتماعی و حقوقی و مبانی اخلاقی و تربیتی این قرارداد تشریح شده است برای مزید اطلاع و استفاده خوانندگان استخراج و ذیلا درج نماید .

(یغما)

قرارداد منع آزمایش‌های سلاح هسته‌ای مسلماً با توافق آراء بتصویب این مجلس خواهد رسید و مخالفی نخواهد داشت، با این وصف رابطه این پیمان با سر نوشت همه ملل و افراد بشر مرا بر آن واداشت که بمنظور تجلیل از آن مطالبی را یادآوری کنم . زیرا این قرارداد با آنکه اهمیت جهانی دارد بجهاتی که معلوم است مانند اغلب قراردادهای بین‌المللی هنوز دارای ضمانت اجرایی بمعنی اخص نیست و در واقع

یکنوع تعهد و توافق رسمی و اخلاقی است که بیش از هر چیز حسن نیت و ایمان محکم دولتها و مخصوصاً پشتیبانی افکار عمومی باید در حال حاضر و تاهمدتی نامحدود ضامن توفیق و اجراء آن باشد، باین جهت معتقدم که در مورد این لایحه مهم يك بحث اجمالی یا سکونتی حاکی از رضایت یا قناعت بدادن رأی موافق کافی نیست بلکه سزاوار است که در ساحت مجلس سنای ملی صلح جو از این فرصت استفاده کامل بشود و در ضمن تأیید لایحه دولت حقایق و دقایقی که ممکنست در نتیجه این افکار مؤثر باشد از طرف چند تن از نمایندگان اعلام گردد.....

یقیناً در ضمن مطالعه لایحه دولت و ضمائم آن باین نکته توجه فرموده اند که قرارداد مورد بحث قرارداد محدودی است و شامل انفجار های زیر زمینی نمیشود و طبق ماده چهارم نیز شرایط خروج از آن در مقام مقایسه با سایر پیمانهای بین المللی آسان است، و همچنین اطلاع دارند که با این وصف هنوز بعضی از دول بزرگ و نیرومند جهان که سازنده سلاح اتمی هستند حاضر بامضاء و تصویب این قرارداد نشده اند. پس بعید نیست که اکثر مردم حتی عده ای از افراد هوشمند و نکته سنج و روشن بین و کنجکاو از خود بپرسند که در این صورت، چنین قراردادی حائز چه اهمیتی و این همه تجلیل و اظهار مسرت مبثی بر چه علتی است و تسریع در تصویب آن چه ضرورتی دارد؟

در جواب این سؤال محتمل و برای روشن شدن اذهان و افکار شاید در این موقع یادآوری این نکته کافی باشد که در دوران ما با کشف نیروی تخریبی و خارق العاده انفجار اتم خطری عظیم که در تاریخ بشریت سابقه ندارد نه فقط ارکان صلح عالم بلکه دوام تمدن و بقاء بنی آدم را تهدید میکند. بنابراین این هر قدمی که در راه تخفیف این خطر برداشته شود و لو بانقائص و قیودی هم توأم باشد باز مغتنم و امیدبخش است، مثل معروف فارسی میگوید: درد و مرض خروار خروار میآید و مثقال مثقال بیرون میرود. دنیای قرن بیستم در حکم بیماری است که در گیر و دار جنگ دوم جهانی یعنی در موقعیکه هنوز تاحدی بر اعصاب خود مسلط بود بامید کوتاه کردن دوره بیماری درصدد کشف داروئی برآمد، ولی همینکه دست بکار تجربه این کشف مهیب زد و شهر

هیروشما را در چشم بهم زدن مبدل بتل خاکستر و دوران جنگ را کوتاه تر کرد
 ناگهان دریافت که تیشه بریشه خود زده و آنچه تصور میرفت دوا قاطع جنگ ها
 و خون ریزی ها باشد مهلك تر و مخزب تر از هر بلای زمینی و آسمانی است. نه غالب
 میشناسد و نه مغلوب، تر و خشك باهم میسوزاند، و جنبنده ای در اقصی نقاط جهان از
 كودك نوزاد تا پیر كهن سال، و از مرد مبارز تا علیل قابل ترخم، از شرّ و آسیبش
 در امان نیست.

باهمه این احوال همان بیمار چاره جو بر اثر ضربت روحی این تجربه حیرت
 آور آن چنان وحشت زده شد که مثل مبتلایان امراض روانی تعادل فکری و حس
 فطری تأمین بقاء و قدرت تسلط بر مشاعر و اعصاب خود را از دست داد. مانند شکار بی
 اراده ای که در افسانه های قدیم ما از بیم و افسون و هیبت اژدها بر خود میلرزد ولی در
 کام اژدها میدود، دنیای متمدن نیز در ظرف هجده سال اخیر بجای آنکه از داستان
 جانگداز هیروشیما درس عبرت بگیرد و این آفت جهانی - یا بقول برناردشاو این بازیچه
 خطرناک - را در اعماق اقیانوسها مدفون کند دیوانه وار عرصه زمین و آسمان را میدان
 مسابقه آزمایشهای پیاپی اتمی قرار دارد.

روز بروز بر قدرت و وسعت دایره انفجارها افزود و ابر و باد و خاك و آب و
 خوردنیها و آشامیدنیها را حتی در زمان صلح مسلح موقت یا جنگ سرد حامل
 تشعشعات مرگبار و زهرپاش این بلای خود ساخته کرد.

اکنون از چنان بیمار آشفته حالیکه بر اثر وحشت زدگی و نومیدی در عین
 خودخواهی سرگرم انتحار تدریجی بود از بیماری که پس از چندین سال تردید و
 تزلزل و نگرانی در پرتو اوضاع و احوال مساعد کم کم بخود میآید و ذوق سلیم خود را
 باز مییابد، و برای اولین بار با عقد چنین قراردادی بظاهر قدمی لرزان و کوتاه در راه
 نجات خود برمیدارد - ولی در معنی نوع بشر را بعاقبت خود امیدوار میکند - آیا
 انصافاً در حال حاضر توقعی بیش از این میتوان داشت و آیا رواست که گفته شود چرا
 این قدم بلند و محکم نیست، و چرا این قرارداد محدود است و تا سر منزل مقصود یعنی
 بیمان خلع سلاح کامل و عمومی که باید روزی حکومت متحده جهانی ضامن اجراء

آن باشد فرسنگها فاصله دارد؟

حق این است که جنبه اخلاقی و معنوی این قرارداد بمراتب قوی تر از جنبه حقوقی و قضائی آن میباشد و این نکته بسیار مهم است. در واقع این پیمان محدود منع آزمایشهای هسته‌ای در حکم اولین آزمایشی است که جامعه بشری در نبرد با حس بی‌اعتمادی و نومیدی میکند. اگر در این راه توفیقی حاصل شود و اراده صلحجویانه دولتها و مردم جهان پشتیبان اجراء و خواهان توسعه این پیمان باشد تدریجاً ولی یقیناً این راه دراز با سانی پیدوده خواهد شد و همچنانکه رئیس جمهوری فقید آمریکا که روانش شادباد گفت این اهرم ضعیف خواهد توانست با تکیه بحسن نیت و همت پاکدلان خیر خواهان جهان کوههای موانع و مشکلات را ولو به سنگینی گره زمین باشد جابجا کند و از جا بر کند.

از این رو باید از سه دولت بزرگ یعنی عاقدين اصلی و اولی این قرارداد واز پیشوایان آنها که در این راه سعی بلیغ بکار بردند سپاسگزار بود، و همچنین باید بدولت شاهنشاهی صمیمانه تبریک گفت که به رهبری شاهنشاه خردمند و صلح جوی ایران فوراً و بلافاصله با امضاء این قرارداد آمادگی خود را بتأیید کامل از مفاد آن بجهانیان اعلام کرد.

شاید بعضیها تصور کنند که چون دولت ایران در حال حاضر با ساختن و آزمایش سلاح اتمی رأساً سروکاری ندارد، و چون تا کنون فقط چند دولت بزرگ باین کار دست زده‌اند لذا الحاق ما باین قرارداد تشریفاتی بیش نیست. البته چنین تصویری باطل است زیرا بموجب ماده اول و ماده سوم این قرارداد هر دولت که باین قرارداد بپیوندد اعم از آنکه سازنده سلاح هسته‌ای باشد یا نباشد متعهد میشود که از انفجارهای هسته‌ای مؤرد نظر در هر نقطه از قلمرو خود چه در جو، چه در ماوراء جو، و چه در زیر آب جلوگیری کند و خود نیز بدان مبادرت نوزد. بنا بر این دولت ایران که از لحاظ وسعت خاک و داشتن مناطق بایر - برخلاف بعضی از دول اروپائی - عرصه‌های پهناوری در اختیار دارد با الحاق باین قرارداد متعهد میشود که در منطقه‌ها کمیت خود از هر نوع انفجار مورد نظر - ولو این عمل فرضاً بوسیله دولت دیگری صورت گیرد جلوگیری نماید - البته این احتمال امری صرفاً فرضی نیست زیرا در گذشته بعضی از دولتها که خودشان

سازنده یا آزماینده این سلاح‌ها نبودند اراضی خود را بدین منظور در اختیار دولتهای دیگر می‌گذاشتند .

پس الحاق ایران باین قرارداد (که در واقع یکتوع تعهد عدم استفاده از حق حاکمیت مسلم در این مورد بخصوص است) متضمن يك فايده عملی مهم و مستقیم در راه تأمین مقاصد عاقدین اصلی پیمان می‌باشد .

از این گذشته برخلاف مشهور سرنوشت صالح پایدار فقط در دست دولتهائی که بسبب قدرت نظامی و اقتصادی در اصطلاح بین‌المللی دول بزرگ نامیده میشوند، نیست و تأثیر دولتهائی که از این جهات بظاهر کوچک ولی از حیث خدمات خود در گذشته یا در حال حاضر بعالم انسانیت دارای مقام معنوی شامخی هستند بسیار مهم و قابل توجه است . چنانکه سعدی فرماید : بزرگی بعقل است نه بمال .

همچنانکه در يك جامعه مترقی و متقی زور بازو و ثروت افراد ملاک اهمیت و نفوذ کلمه و ارزش اجتماعی آنها نیست در خانواده عظیم بشری نیز اهمیت حقیقی ملل و دول منوط است بمیزان کوشش واقعی آنها در راه رفاه و آسایش و آزادی و احترام حیثیت انسانی . پس دولت ایران گذشته از آنکه با الحاق باین قبیل قرارداد های صالح جویانه يك امر تشریفاتی ساده و کم ارزشی انجام نمیدهد ، با این عمل اعتبار و نیروی معنوی و اخلاقی يك ملت شریف و کهن سال را که بدون اغراق در طی تاریخ مصدر خدمات گرانبھائی در راه نیل به کمال و جمال مقدور بوده است در کفه ترازوی صالح پایدار می‌گذارد .

ضمناً فراموش نشود که در دنیای امروز چه در داخل کشورها و چه در زمینه بین‌المللی صلح و ترقی امری قابل تجزیه و تفکیک نیست و هر دولت و هر دستگاه و هر فرد در تهیه مقدمات مادی و معنوی آنها سهم و وظیفه ای دارد . همچنین فراموش نشود که هنوز در راه تأمین صلح پایدار - صلحی که بر آزادی و آبادی و آسایش و عدالت استوار باشد مشکلات فراوان موجود است ولی در معنی مشکل اخلاقی که کلید حل آن در دست تربیت واقعی است سلسله جنبان همه موانع و مشکلات دیگر اعم از سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی است .

علم و صنعت و حتی ثروت و بهداشت هم با آنهمه خلعت که بپیشرفت

و رفاه انسانی کرده بتهنهایی از گشودن این گره عاجزند و چه بسا که اگر بامعنویات توأم نشوند خود آنها گرهی در کار میاندازند .

ناگفته نماند که در دوران عمر ما و دوطی نیم قرن آتش دو جنگ جهانیگیر و جهانسوز بینالمللی بدست دول واقوامی افروخته شد که از لحاظ علم و صنعت و تشکیلات اقتصادی و تجاری و سیاسی در اوج ترقی بودند ولی اصول تعلیم و تربیت آنها نتوانسته بود آن چنانکه باید لگامی محکم بر سر خودخواهیهای فردی و جمعی بزند .

پس اگر گفته شود که چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان بدون استثناء توفیق و اجراء صحیح این قبیل قراردادها و مقدرات صلح و جنگ در درجه اول بسته بکوشش مربیان و خانوادهها یعنی آفرینندگان و پرورندگان شخصیت افرادست سخنی بگراف نخواهد بود . چنانکه در مقدمه اساسنامه یونسکو یعنی سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد مندرج است : « موجبات جنگ و ناسازگاری اول در فکر و ذهن و باطن افراد بشر ایجاد میشود پس حصار دفاع از صلح نیز باید در ضمیر افراد برافراشته شود . » و چون این حقیقت از آفتاب روشن تر است جا دارد که چه در کشور ما و چه در سایر کشورها متصدیان و مسؤلان آموزش و پرورش از سنگینی بارمسئولیت و وظیفه ملی و بشری دشواری که بردوش گرفته اند برخوردارزند و بدانند که بی تدبیری و سهل انگاری و سستی در اصلاح يك دستگاه فرهنگی حتی مسامحه در تربیت و تشخیص نقائص روحی و اخلاقی يك فرد ممکنست مخصوصاً در عصر ما خانواده و ملتی و حتی جهانی را دچار خسران و بحران عظیمی کند .

نظایر نقاش کم استعداد و جاه طلبی بنام آدولف هیتلر که بسبب انحراف اخلاقی جهانی را در خاک و خون کشید، یا آن مرد متعصب و برافروخته ای که کاندی را از پای در آورد، یا قاتل گمراهی که در ظرف چند ثانیه دنیائی را برمرگ منادی صلحی مانند جان کندی سوگوار ساخت، و امثال و اقرا ن آنها که خدای نخواستہ روزی ممکن است بدون احساس مسؤلیت وجدانی بقصد شهرت یا انتقام یا تفریح و تفنن جنون آمیز بخواهند بانهایت خونسردی دگمه انفجار يك سلاح اتمی را فشار بدهند هنوز در دنیا کم نیست .

جامعه ما هم که هر روز در صفحات جراید بشرح خطاها و کمراهیها و گاهی جنایات بعضی از دانش آموزان درس خوانده و تربیت نشده را میخواند یا از آشفستگی و بی سامانی بعضی از ادارات و خانواده ها مینالد، و یامثلاً می بیند که داد گستری از مردم و مردم از داد گستری، یادولت از ملت و ملت از دولت، شکایتها دارد باید بداند که با هر قدمی مؤثر که بوسیله تعلیم و تربیت صحیح در راه اصلاح این اوضاع بردارد هم موجبات سعادت افراد و آسایش و رفاه داخلی را تأمین خواهد کرد و هم در راه نیل به هدف اصلی این قرارداد یعنی آرامش وجدانها و صلح واقعی جهانی گامی بلند برخواهد داشت.

همه این امور بهم مرتبط است و بقول صائب :

پیوسته اند سلسله موجها بهم مشکن مرا که خودشکنی هاست درستم^۱
 بقاء يك ملت و يك جامعه با فقر مادی مشکل است ولی محال نیست اما دوام و سعادت جامعه ای که در نشیب فقر معنوی و سقوط اخلاقی افتاده باشد افسانه ای است بلور نکردنی، و چنانکه شاهنشاه روشن بین و دوراندیش ما چند روز پیش در کرمانشاه فرمودند « ترقیات ظاهری اگر توأم با زندگی روحی و معنوی نباشد آن قوام و دوامی که جامعه باید داشته باشد نخواهد داشت ».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی